گزارش یک
محمد اسماعیلی

امریکا اهداف پسابرجامی خود را چگونه عملیاتی می‌کند

# تحقیر عزت ملی، راهبرد امریکا علیه ملت ایران

**چنانچه بازگردیم و شیوه مذاکره امریکایی‌ها را طی چهار سال گذشته به یاد یاوریم، خواهیم دید بسیاری از عناصر به کار گرفته‌شده توسط سیاستمداران این کشور در مقابل ایران، دقیقاً همان شیوه‌ای است که در گذشته نیز مورد استفاده آنها قرار گرفته است؛ شیوه‌ای که تلاش دارد علاوه بر موضوع مورد بحث در مذاکره، اهداف دیگری را نیز دنبال کند که دنبال کردن اهداف ثانویه زمینه استیلای امریکا - در کوتاه‌مدت - علیه کشور مورد هدف را به دنبال خواهد داشت.**

امریکا علاوه بر مذاکرات هسته‌ای، اهداف مهم‌تر دیگری را طی چهار سال گذشته دنبال می‌کرد، به این ترتیب که ایران علاوه بر آنکه صنعت هسته‌ای خود را به تعطیلی می‌کشاند، باید در ریلی قرار بگیرد که پایان آن ریل فروپاشی محتوایی و نه شکلی انقلاب اسلامی است. به این معنا که با مجموعه شیوه و روش‌هایی که حین مذاکرات و پس از آن دولتمردان امریکایی اتخاذ می‌کنند، علاوه بر آنکه جمهوری اسلامی ایران ماهیتاً به موجودی غیرمنطبق با آنچه در ۴۰ سال گذشته بوده تبدیل خواهد شد بلکه جامعه ایرانی نیز با دگردیسی تفکر و باورهای اجتماعی - سیاسی مواجه خواهد شد.

در این صورت‌بندی، جامعه ایرانی با آنچه تحت عنوان آرمان و ایده‌آل توسط حاکمیت اسلامی مطرح می‌شود، نه تنها احساس همذات‌پنداری نکرده بلکه مؤلفه‌های مورد وثوق حاکمیت اسلامی را در مغایرت و ضدیت با منافع خود دیده و تلاش می‌کند برای حفظ منافع خود حتی مقابل نظام اسلامی ایستادگی کند، حال تلاش امریکایی‌ها در مقابل جامعه ایرانی نخست، ایجاد «ضدیت میان نظام اسلامی و مردم» و در مرحله بعد ظهور و علنی کردن این ضدیت در قالب شورش‌های اجتماعی است.

شیوه مذاکرات امریکایی چندبعدی است، به گونه‌ای که از یکسو تحریم‌های ضدانسانی علیه جامعه ایرانی وضع کرده و در مقابل نه تنها «هدف» تحریم‌ها را نظام اسلامی معرفی می‌کند بلکه عامل وضع تحریم‌ها را نیز سیاست‌های نظام اسلامی در عرصه جهانی عنوان می‌کند تا به واسطه چنین تحلیلی، موجی از مفاهیم را به افکار عمومی داخل ایران منتقل کند.

**■ هدف تحریم‌ها جز مردم چه کسی می‌تواند باشد؟**

مفاهیم منتقل شده تلاش دارد احساس غیریت را نسبت به حاکمیت در بین عموم مردم رواج دهد و به همین دلیل است که دونالد ترامپ و باراک اوباما، هدف وضع تحریم‌های گسترده علیه ایران را حاکمیت اسلامی و نه مردم ایران معرفی می‌کنند، در حالی که تأثیر بلاوجه و مستقیم تحریم‌های ضدایرانی از جمله قطعنامه ۲۲۳۱ روی زندگی عموم جامعه قابل رؤیت است.

اینکه از سوی مقامات ارشد دولت امریکا حین و پس از اتمام مذاکرات خطاب به جامعه ایرانی مکرراً عنوان می‌شود، شعار مرگ بر امریکا اشتغال‌زا نیست و رفاه را برای جامعه ایرانی به همراه نمی‌آورد دقیقاً منطبق بر روش‌های موازی مذاکراتی است که می‌تواند همگام با مذاکرات هسته‌ای یک کشور را ریل فروپاشی محتوایی و نه شکلی قرار دهد.

امریکایی‌ها تلاش داشتند در طول مذاکرات هسته‌ای شیوه «تحقیر جامعه ایرانی» را در قالب‌هایی مانند «ایجاد حس ناامیدی نسبت به آینده کشور» و «تزریق روحیه خودکوچک‌بینی ملی» به افکار عمومی کشور منتقل کنند؛ قالب‌هایی که در صورت تأثیرگذاری می‌توانست نهایتاً به دوقطبی‌سازی «مردم - حاکمیت» منجر شود.

به این دلیل که جامعه‌ای که عزت نفس ملی را از دست داده و روحیه خودکوچک‌بینی در آن شکل بگیرد، عامل آن را مجموعه سیاست‌هایی می‌داند که حاکمیت آن کشور در عرصه بین‌المللی اتخاذ کرده است و به همین دلیل است که امریکایی‌ها به انضمام تلاش برای تنظیم و نگارش یک توافق حقوقی یک طرفه با ایران سعی کرده‌اند عزت نفس ملی را در جامعه ایرانی ذبح کنند. تحقیر جامعه ایرانی از جمله مهم‌ترین روش‌های امریکا در مذاکرات هسته‌ای بود، کمااینکه وندی شرمن توزیع سبد کالا در ایران را صدقه امریکایی‌ها به مردم ایران بیان و سپس با تحقیر رئیس‌جمهور کشورمان تصریح کرد: «شما در اخبار دیدید که ایران اخیراً به طور قابل مشاهده‌ای غذا به مردم فقیر در جامعه داد که به نوعی نشان‌دهنده این است که کاهش هدفمند و محدود تحریم‌ها تأثیر مستقیم بر مردم این کشور داشته است، همانطور که روحانی قول داده بود این پول صرف اهداف دیگری نشود.»

وندی شرمن، عضو تیم مذاکره‌کننده امریکا همچنین اخیراً تلاش کرده تیم مذاکره‌کننده کشورمان را نیز تحقیر کند. وی در یک نشست تخصصی درباره برجام عنوان می‌کند: «تیم ایرانی برجام فرق lift و remove را نمی‌دانستند، خیال کردند تحریم رفع می‌شود!» اگرچه امریکایی‌ها همگام با مذاکرات هسته‌ای تلاش داشته‌اند در قالب رفتار، گفتار راهبرد «تحقیر ملی ایرانیان» را پیاده‌سازی کنند اما در داخل هم شخصیت‌هایی بودند که - به عمد یا سهواً - به اتخاذ مواضعی روی آوردند که نتیجه‌ای جز «تنزل عزت نفس ملی» و «تحقیر جامعه ایرانی» به همراه نداشته است.

در همان اوان مذاکرات هسته‌ای، اکبر ترکان در نشست تخصصی با خودروسازان بیان می‌کند: «بگذارید با خود روراست باشیم، ما به جز پخت آبگوشت بزباش و قورمه‌سبزی در هیچ تکنولوژی صنعتی برتری نداریم.»

شیوه دیگری که نیاز بود امریکایی‌ها با اتخاذ آن تیم مذاکره‌کننده کشورمان را در حالت تدافعی فرو ببرند و زمینه تنظیم یک توافق بد برای طرف ایرانی را محقق کنند، اصل «مداخله در امور جاری کشور بود»، کمااینکه دهها بار مقامات رسمی این کشور از وضع حقوق بشر در ایران گلایه و گزارشگران وابسته به غرب از تریبون سازمان‌های بین‌المللی ایران را متهم به نقض حقوق بشر عنوان کردند.

برای تنظیم یک توافق یک‌جانبه امریکایی‌ها باید «تحقیر جامعه ایرانی و مداخله در امور داخلی کشور» را به صورت موازی با سایر روش‌های مذاکره هدایت می‌کردند تا برداشت این بذر را در سال‌های نزدیک دور کنند که محصول آن گزاره‌ای جز فروپاشی محتوایی و نه شکلی انقلاب اسلامی ایران نبود.

اصل مداخله در امور داخلی ایران به صورت پیوسته مورد توجه سیاستمداران ارشد امریکایی قرار گرفت، به طوری که از همان آغاز مذاکرات و در آذر سال ۹۲ و پس از نهایی شدن توافقنامه ژنو ۳ امریکایی‌ها با لحنی تهدیدآمیز و مداخله‌گرایانه خواهان رفع حصر خانگی سران فتنه می‌شوند و در قالب بیانیه‌ای عنوان می‌کنند: «ما در محکوم کردن ادامه حبس آنها (مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد) و آزار اعضای خانواده‌شان و در طلب آزادی فوری‌شان، به جامعه جهانی می‌پیوندیم.»

مصداق دیگر مداخله بی‌شرمانه در امور داخلی ایران زمانی است که آقای ظریف در سفر به لبنان بر سر مزار عماد مغنیه حاضر می‌شود. «کیتلین هایدن» سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در واکنش به ادای احترام ظریف به مغنیه، با صدور بیانیه‌ای آن را محکوم و حزب‌الله لبنان را به اقدامات خشونت‌آمیز متهم می‌کند و تصمیم ظریف برای گل‌گذاری در مزار فردی که او و سازمانش تروریستی هستند را پیامی غلط می‌داند که تشدید تنش‌ها در منطقه منجر می‌شود.

تهدید مستمر جامعه ایرانی شیوه دیگری است که امریکایی‌ها از زمان آغاز مذاکرات به واسطه سخنرانی‌های باراک اوباما و اکنون به واسطه اظهارات دونالد ترامپ تلاش داشته‌اند آن را استمرار بخشند؛ تهدیداتی که با هدف «تحقیر» هر چه بیشتر جامعه ایرانی صورت می‌گیرد که از جمله سخنان اوباما در دیدار با نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی است که اظهار می‌کند: «تهران باید صداقت خود را با اقداماتش ثابت کند... همه گزینه‌ها از جمله «گزینه نظامی» روی میز باقی می‌ماند.»

روش‌های سه‌گانه مورد اشاره امریکا که ابعاد متعدد دیگری را نیز می‌توان برای آن برشمرد تنها با یک هدف عمده صورت می‌گیرد و آن اینکه علاوه بر تعطیلی صنعت هسته‌ای جامعه ایرانی به این نتیجه برسد که سیاست‌های اتخاذ شده توسط حاکمیت اسلامی عامل وضع موجود است و این همان فروپاشی محتوایی و نه شکلی است که مورد توجه غربی‌هاست.

این در حالی است که دولت با چشم‌پوشی از بسیاری از حقوق بدیهی جامعه ایرانی تلاش کرد بخشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی را خنثی کند و این چشم‌پوشی از حقوق ملی جز «تحریم‌های ضدانسانی فراگیرتر» آورده‌ای به همراه نداشت.

علاوه بر اینکه هزینه‌های گسترده برجام و ضدیت آن با منافع ملی منجر به آن شد که مردم در دوران پسابرجام اطمینان یابند که سیاست‌های حاکمیت در مقابل نظام سلطه کاملاً منطبق بر اولویت‌های اساسی جامعه بوده است.

حمید فرشباف | جوان

خبر

رئیس مجمع تشخیص مصلحت:

## دفاع موشکی حق ماست و ارتباطی با برجام ندارد

**رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به عدم‌پایبندی امریکا به اصول اخلاقی اشاره کرد و گفت: اظهارات رئیس‌جمهور این کشور که امریکایی‌ها خود از تعبیر ابله برای او استفاده می‌کنند، موجب از بین رفتن اعتماد ملت‌ها به امریکا شده است.**

به گزارش فارس، آیت‌الله سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی صبح پنج‌شنبه عدنان محمود سفیر سوریه در تهران را به حضور پذیرفت. آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در این دیدار، ضمن تأکید بر تقویت محور مقاومت با بیان این مطلب که امریکا نقشه تجزیه کشورهای منطقه، تضعیف روحیه مقاومت در ملت‌ها و نیز تقویت رژیم‌صهیونیستی را دارد، از اقدامات شایسته رئیس‌جمهور سوریه، رهبران مقاومت و مردم این کشور در اجرای تأکیدات مقام معظم رهبری که به پیروزی ارتش سوریه و رزمندگان مقاومت منتج شده است، قدردانی کرد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین تأکید کرد: امریکا برخلاف آنچه ادعا می‌کند، دشمن داعش و تروریست‌های تکفیری نیست و رفتار نمایشی و صوری وی برای تضعیف دولت قانونی سوریه است، لذا کسانی را که حقیقتاً با داعش و تروریسم مقابله می‌کنند، تروریست می‌خواند.

امریکایی‌ها نیروهای حشدالشعبی در عراق و تلاش‌های حزب‌الله در تأیید دولت قانونی سوریه را تروریستی معرفی می‌کنند، حال آنکه حقایق برای مردم منطقه و دنیا روشن شده است و این دوگانگی در رفتارهای امریکا، نشان‌دهنده نفاقی است که موجب شده اعتماد به امریکا از میان برود.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: امیدواریم با از بین رفتن تروریست‌ها، در موضوعات بازسازی و تکیه بر مردم برای تقویت سوریه، از رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری استفاده شود. جمهوری اسلامی ایران هدفی جز سعادت ملت‌های مسلمان منطقه و هیچ منفعت شخصی در درگیری با امریکا ندارد و این نگاه باید در کل جهان اسلام تقویت شود.

آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی با توجه به بدعهدی‌های امریکا در توافق برجام ادامه داد: امریکا توافق‌های انجام‌شده در برجام را زیر پا گذاشته است، موضوعات دفاعی و موشکی را که حق ملت ماست و ارتباطی با برجام ندارد، مطرح و علیه سپاه پاسداران تحریم‌هایی را اعمال کرده است که از رفتارهای مفتضحانه آنها به حساب می‌آید. امریکایی‌ها در ذهن خود این نقشه را پرورده‌اند که با نزدیک شدن به کشورهای منطقه، آنها را از منبع مقاومت یعنی جمهوری اسلامی دور کنند.

**■ ایران صداقت خود را در همراهی با ملت‌های منطقه اثبات کرده است**

در این دیدار همچنین عدنان محمود، سفیر سوریه در ایران با اهدای سلام رئیس‌جمهور و ملت خود، روابط راهبردی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سوریه را موجب تقویت محور مقاومت در منطقه خواند و اظهار امیدواری کرد با شکست تروریست‌های تکفیری که به کمک ایران محقق شده است، دولت و ملت ایران در سازندگی سوریه نیز مشارکت داشته باشند.

سفیر سوریه در ایران اضافه کرد: روز گذشته شاهد تجاوز هوایی رژیم‌صهیونیستی به خاک سوریه بودیم که از حمایت و همراهی آنان با تروریست‌ها حکایت دارد. وی گفت: ما قدردان حمایت‌های مستمر مقام معظم رهبری از ملت سوریه هستیم که امروز عمق تحلیل‌های حکیمانه ایشان در میدان عمل برای ما آشکار شده است. جمهوری اسلامی ایران، صداقت خود را در همراهی با ملت‌های منطقه بارها اثبات کرده و امروز نگاه‌ها به ایران معطوف است.

## اصلاح‌طلبان به جای قدردانی از روحانی دائم قدرنشناسی می‌کنند

**یک کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان به جای قدردانی از روحانی دائم قدرنشناسی می‌کنند، گفت: اصلاح‌طلبان وقتی هم به پستی می‌رسند، اهمیت منافع حزبی را بر منافع ملی و حتی منافع دولتی ترجیح می‌دهند.**

محمدحسن قدیری‌ابیانه در گفت‌وگو با فارس درباره نگاه رئیس‌جمهوری به اصلاح‌طلبان اظهار کرد: اصلاح‌طلبان در دولت گذشته پست‌هایی بیش از اندازه سعی واقعی خودشان گرفتند. اصلاح‌طلبان زیاده‌خواه و انحصارطلب هستند و در مورد نقش خود در پیروزی انتخاباتی روحانی غلو می‌کنند. این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه اصلاح‌طلبان به جای قدردانی از روحانی که بیش از قد آنها در کابینه و دیگر سمت‌ها پست واگذار کرده است، گلایه هم می‌کنند، اضافه کرد: آنها وقتی هم به پستی می‌رسند، اهمیت منافع حزبی را بر منافع ملی و حتی منافع دولتی ترجیح می‌دهند.

قدیری‌ابیانه با تأکید بر اینکه روحانی در دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری موفق شد و نشان داد نیاز به رأی اصلاح‌طلبان ندارد، تصریح کرد: روحانی مغرورتر از آن است که بخواهد مطابق خواست اصلاح‌طلب‌ها عمل کند. وی با اشاره به اینکه در سال ۹۲ هم اگر عارف کنار کشید، به خاطر این بود که مطابق بررسی‌ها ۷ درصد بیشتر رأی نداشت، اضافه کرد: مجموع رأی اصلاح‌طلب‌ها ۷ درصد بود و الان هم بیشتر از آن زمان نیست.

این کارشناس سیاسی با بیان اینکه ما این کابینه را کابینه اصولگرایان نمی‌توانیم فرض کنیم، تصریح کرد: این کابینه روحانی است و مسئولیت موفقیت‌ها و شکست‌هایش با خود دولت و روحانی است. اصلاح‌طلبان نمی‌توانند با این ترفند شکست‌ها و ناکامی‌های روحانی در اداره کشور را به دوش اصولگرایان بگذارند.

گزارش ۲
زینب شریعتی

واکنش‌ها به دیوانگی خواندن مذاکره با امریکا توسط روحانی

## مردم از سال ۵۸ فهمیدند مذاکره با امریکا دیوانگی است

**«مذاکره با امریکا دیگر دیوانگی است» این جمله رئیس‌جمهور حسن روحانی در جلسه رأی اعتماد دو وزیر کابینه‌اش، واکنش‌های مختلفی را برانگیخت. یکی از مهم‌ترین این واکنش‌ها بایکوت و سانسور بود؛ واکنشی از سوی حامیان دولت روحانی! رسانه‌های غیربی‌طرف خارجی هم بعضاً ترجیح دادند از کنار این جمله با سکوت یا فونت ریز و لابه لای اخبار بگذرند.**

حامیان رسانه‌ای روحانی از دلایل اصلی‌شان برای رأی دادن به او، اعتقاد به «بستن با کدخدا» بود و حالا در برابر این جمله صریح روحانی راهی جز سانسور نیافته‌اند. اما واکنش‌های دیگری هم صورت گرفت. حالا برخی از حامیان روحانی، سخن او را بازگشت به سوی اصولگرایان می‌دانند.

صادق زیباکلام با همین پس‌زمینه ذهنی به رئیس‌جمهور نامه نوشته است؛ گزاره‌ای که در دنیای سیاست می‌تواند حتی خنده‌دار هم تلقی شود! بسیاری اما جمله روحانی را واقع‌بینانه و نتیجه‌ای ناشی از تجربه پر هزینه این چهار سال برای او می‌دانند؛ تجربه‌ای که پیش‌تر به دست آمده بود و هزینه‌اش را هم در طول دهه‌های متمادی مردم ایران پرداخته بودند و معتقدند او آزموده را دوباره آزمود.

**■ عده‌ای باید در عمل بدعهدی امریکا را تجربه کنند تا به آنان ثابت شود**

محمدجواد جمالی‌نوبندگانی نماینده مردم فسا و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس، می‌گوید: «ما رهبری داریم که در همان ابتدای مذاکرات هم فرمودند شما مذاکره کنید اما من به این امریکا اعتمادی ندارم، برخی ممکن است زمان بگذرد تا در عمل چنین تجربه‌ای را مشاهده کنند، اما باز هم خوشحالیم که چنین اتفاقی افتاده است.»

او در ادامه به وحدت به وجود آمده در ایران پس از اقدامات دولت امریکا اشاره می‌کند: «حقیقت این است که چون این تهدیدها منافع ملی و نظام ما را تهدید می‌کند از هر تفکری همه باید دست به دست هم دهیم و مراقب باشیم امریکایی‌ها به موازات اقداماتی که در نقض برجام، فشار بر جمهوری اسلامی، ترساندن کشورهای دیگر از سرمایه‌گذاری در ایران و درباره مهم‌ترین حافظ انقلاب یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشتند، حتماً اقداماتی برای تفرقه در منطقه خواهند کرد.» این عضو کمیسیون امنیت ملی مردم بر حفظ این وحدت تأکید می‌کند: «باید مراقب باشیم این وحدت نظری که خوشبختانه علیه امریکا در رابطه با همه جناح‌های سیاسی به وجود آمده است حفظ شود تا امریکایی‌ها نتوانند به آن لطمه وارد کنند.»

**■ دیوانگی مذاکره با امریکا از سال ۵۸ برای مردم واضح بود**

مجتبی شاکری عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی با بیان اینکه جوهره وجودی امریکا استکباری است، می‌گوید: «امام تسخیر لانه جاسوسی را انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول عنوان فرمودند، یعنی شناخت ماهیت امریکا تا این حد از منظر حضرت امام(ره) بزرگ و بااهمیت بود.»

او با اشاره به بدعهدی امریکا در برجام و نقض آن می‌افزاید: «امریکا تاکنون ۲۸ بار برجام را نقض کرده، اما با سازوکار حقوقی که در برجام در نظر گرفته شده است ما قادر به احقاق حق خود نخواهیم بود، بنابراین از دل برجام محکومیت امریکا بیرون نخواهد آمد.»

شاکری البته از واکنش‌های دولت ایران نسبت به این نقض عهدها انتقاد دارد: «تا کی باید این نقض‌ها ادامه پیدا کند، آیا بهتر نیست مسئولان اعتراف کنند که ما با برجام هیچ دادخواستی علیه امریکا نمی‌توانیم به ثبت برسانیم؟!»

او با تأکید بر اینکه مردم در ۱۳ آبان ماه بی‌اعتمادی خود به امریکا را فریاد می‌زنند، ادامه می‌دهد: «مردم در سال ۵۸ فهمیدند که دیوانه‌ای چون امریکا وجود دارد و مسئولان ما سال ۹۶ تازه دریافتند که با دیوانه نمی‌توان مذاکره کرد.»

گزیده خبر

آیت‌الله علم‌الهدی:

## برجام اروپایی را جایگزین برجام امریکایی نکنید

**خطیب جمعه مشهد خطاب به مسئولان گفت: دیگر اشتباه را در مذاکره با اروپا ادامه ندهید و برجام اروپایی را جایگزین برجام امریکایی نکنید؛ اروپا و امریکا یکی هستند.**

آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی در خطبه‌های نماز جمعه مشهد در جوار بارگاه منور رضوی به سه واقعه مهم و تاریخی در روز ۱۳ آبان اشاره و ضمن تأکید بر این نکته که این سه واقعه، دشمنی امریکا با این ملت را نشان می‌دهد، تصریح کرد: از تسخیر لانه جاسوسی ذلت امریکا در دنیا شروع شد، روزی که این واقعه صورت گرفت، نظام، انقلاب، مردم و مرجعیت را عده‌ای تهدید کردند و دولت موقت بلافاصله استعفا کرد و از عرصه نظام کنار رفت و پشت میز اپوزیسیون نظام ایستاد و در داخل نیز همه افرادی که خود را نخبه و اندیشمند می‌دانستند، گفتند برخورد با امریکا گران است و در خارج از کشور نیز عمدتاً این عمل را تقبیح کردند و قهرمان یکه‌تازی که وسط میدان ایستاده بود، امام بزرگوار قهرمان‌ساز ما در آن روز بود.

وی در ادامه سخنان خود با تأکید بر این موضوع که مشکل ما با داخل ماست، مشکل ما با برخی عزیزان خودمان است، ادامه داد: این واقعیت را قبول کنید که امریکا امروز بدبخت و بیچاره است و این لجن‌پراکنی‌ها از استیصال و نکبت‌زدگی و بیچارگی است. امام جمعه مشهد با اشاره به اینکه امریکا مدعی است مهم‌ترین بانک‌ها در این کشور است، افزود: کارشان به جایی رسیده که در مقابله با شما مردم و نظام شما، رئیس‌جمهورش باید خودش را به دیوانگی بزند تا شاید امتیاز بگیرد(!)، خواری و ذلت از این بالاتر؟!

آیت‌الله علم‌الهدی با بیان اینکه آن روزی که به مذاکره‌کنندگان از همین تریبون اعتراض کردیم به ما ترسو و بزدل و دغدغه‌دار وسواسی گفتند، تصریح کرد: امروز دیوانه را خودتان تعیین می‌کنید. در این نظام همه با هم برادر هستیم. دیگر اشتباه را در مذاکره با اروپا ادامه ندهید و برجام اروپایی را جایگزین برجام امریکایی نکنید؛ اروپا و امریکا یکی هستند.

یادداشت

زینب عامری

## دستاوردهای مهم تسخیر و سقوط لانه جاسوسی

۱۳ آبان ماه آیینه سه رویداد مهم در تاریخ سیاسی ایران است؛ تبعید امام خمینی(ره) در سال ۴۳ در نتیجه اعتراض به تصویب لایحه کاپیتولاسیون، به تیر بستن دانش‌آموزان در سال ۵۷ در پی اعتراض به رژیم پهلوی و تسخیر لانه جاسوسی یک سال پس از آنکه هر یک در برهه زمانی خود تأثیر شگرفی در روند پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی داشته‌اند. باید از روز ۱۳ آبان به عنوان هرم قاعده‌ساز انقلاب اسلامی ایران نام برد که تجربیات و درس‌های فراوانی را در بطن خود دارد. وقایع این روز به ویژه سقوط سفارت امریکا در ایران به دست دانشجویان پیرو خط امام نقشی محوری در حیات انقلاب ایفا کرده و رهاورد فکری و دیپلماتیک متعددی داشته است:

**۱- استکبارستیزی:** مهم‌ترین پیام روز ۱۳ آبان مبارزه با استکبار و قطع الید کردن آن از کشور پس از سال‌هاست. با حذف رژیم فاسد پهلوی، قدم اول در مسیر اصلاح کلان سیاسی در جامعه برداشته شد و تسخیر لانه جاسوسی گام دوم را در این راستا برداشت و عملاً بزرگ‌ترین مستکبر قرن یعنی امریکا را در داخل ایرانی که آن را مستعمره سیاسی خود می‌دانست، به چالش کشید و مانع فعالیت مخرب آن شد. با تسخیر سفارت امریکا در تهران پیام انقلاب اسلامی و موضع آن در مقابل بدخواهان انقلاب به جهان صادر شد. سفارت هر کشوری بخشی از قلمرو سرزمینی آن محسوب شده و ذیل ساختار و قوانین سیاسی کشور متبوعش قرار دارد، لذا تصرف سفارت ایالات‌متحده معنای نرمی از تصرف خاک ایالات‌متحده و یک جابه‌جایی در صندلی قدرت بود.

**۲- تثبیت انقلاب اسلامی:** لانه جاسوسی در حالی به تسخیر نیروهای انقلابی درآمد که جوانه انقلاب اسلامی تازه سر بر آورده و بسیار آسیب‌پذیر و شکننده بود. این حرکت انقلابی با از کار انداختن موتور محرکه گروهک‌های ضدانقلاب گامی مهم در مسیر ایمن‌سازی، مصونیت و تثبیت انقلاب برداشت. اسناد به دست آمده حاکی از این حقیقت بود که سفارت امریکا عملاً به مرکز جاسوسی و مخابره اطلاعات کشور به خارج از مرزها بدل شده بود. همینطور این سفارت نقش حمایتی و محوری در اغتشاشات شهرهای بزرگ چون تهران و غرب کشور علیه انقلاب داشت. در حقیقت با تسخیر سفارت امریکا شاهرگ ضدانقلاب در داخل کشور قطع شد که کاملاً راهبردی، استراتژیک و حیاتی بود.

**۳- نقش محیط‌های علمی در مبارزات فکری:** فتح سفارت ایالات‌متحده و همچنین واقعه کشتار دانش‌آموزان در این روز به خوبی همگرایی علم و مبارزه را نشان می‌دهد و این معنا را متبادر می‌سازد که مسیر انقلاب اسلامی از راه دانشگاه و محیط‌های علمی حیات یافته و یک انقلاب «آگاهی محور» بوده است. بارزترین عنصر انقلاب اسلامی رشد آگاهی و تفکر در میان اقشار مختلف اجتماعی است، به گونه‌ای که این آگاهی حتی نگرش طبقات محروم را به سطح یک دانشگاهی نزدیک ساخته بود. این جلوه‌ای دیگر از سیمای زیبا و اعجازگونه انقلاب را در آلبوم تاریخ این مرزو بوم بر جای گذاشت تا فراموش نشود انقلاب اسلامی یک انقلاب فکری و اندیشه‌محور و معرفت‌بنیاد بوده و برای حفظ این انقلاب نیز تربیت دانشگاهی و حراست از محیط‌های علمی و نیز علم‌خواهی و دانش‌اندوزی ضرورت دارد.

**۴- بازتعریف روشنفکری:** تصرف لانه جاسوسی امریکا توسط دانشجویان و گروه‌های علمی و نخبگی ملاک‌ها و فرمول‌های روشنفکری را بر هم زد و نظریه‌ای نو را از مفهوم روشنفکری مطرح ساخت. تفکر نخبگی دیگر به سمت غرب‌گرایی و غرب‌مداری کشش پیشین را نداشت بلکه اصول اولیه تفکر جامعه روشنفکرِ روز «عدالت اسلامی و امریکاستیزی و غرب‌ستیزی» بود. این مهم میراث فکری عظیم و ارزشمندی را برای انقلابیون پس از خود برجای گذاشت که متأسفانه به دست فراموشی و دگرگونی سپرده شد. ایران در مسیر پیش رونده انقلاب اسلامی توانست مفاهیم روشنفکری و پیشرفت‌خواهی را با خط‌کش عقیدتی خود تعریف کند و متحول سازد و آن را از تجددخواهی غربی به کمال‌طلبی انسانی و پیشرفت عقلانی_اسلامی (برخلاف مسیر غرب) تغییر دهد. این میراث البته به خوبی شناخته و پاس داشته نشد و در اثر اهمال در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب گذار به گذشته را تجربه کرد و مجدداً به غرب‌گرایی و غرب‌زدگی متمایل شد. برخی تصمیمات سیاسی اخیر چون برجام ایران اسلامی را وارد فاز جدیدی از بلوغ سیاسی خود کرده و بار دیگر در حال به چالش کشاندن مفهوم روشنفکری، جدایی‌طلبی آن از غرب‌گرایی و دگرگونی ماهوی آن است.

**۵- اقتدارخواهی تکلیف‌گرایانه:** یکی دیگر از رهاوردهای وقایع ۱۳آبان به ویژه تسخیر لانه جاسوسی نمایش قدرت انقلاب و قاطعیت و اقتدار آن در برابر دشمن بود. چنانچه این قدم اول محکم برداشته نمی‌شد، بدون شک در مسیر بقای انقلاب اسلامی چالش‌های فراوان دیگری پدید می‌آمد. موضع حمایتی و سخنان کوبنده امام در رابطه با تسخیر لانه جاسوسی نشان داد مؤلفه اقتدارخواهی جزئی لاینفک از بدنه فکری و سیاسی انقلاب اسلامی است.

این واقعه نه یک رویداد ساده تاریخی که مکتب سیاسی و بن‌مایه فکری انقلاب اسلامی است که در شرایط کنونی و در بازنگری واقع‌بینانه و تجربه‌محور نسبت به ارتباط با امریکا راهگشا و ایدئولوژی‌ساز است. تمامی ارزش‌ها و آرمان‌های تعریف‌شده در انقلاب اسلامی چون استقلال، خودباوری، دشمن‌شناسی، استکبارستیزی، تمامیت‌خواهی سیاسی، رشد علمی و بلوغ فکری، اتحاد درونی و ولایتمداری همه و همه با تسخیر لانه جاسوسی و عبور از امپریالیسم معنای عینی و واقعی یافت و برای همگان ترجمه و تفهیم شد و انقلابی ثانی با یک قوای نخبگی در امتداد انقلاب اسلامی پدید آورد.

میراث و پیام‌های مهم ۱۳ آبان چونان یک ترجمان و رساله فکری سازنده، قابلیت تربیت نسل‌های نوین انقلاب را داراست، به شرط آنکه به بلای بی‌توجهی و فراموشی گرفتار نشود.